

سیاست خارجی دولت نبوی با تأکید بر عملکرد جعفر طیار علیه السلام

محمد قاسم احمدی^۱

چکیده

سیاست خارجی از مسائل مهم هر دولت به شمار می‌رود که یکی از ابعاد مهم سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی سیاست خارجی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تأکید بر عملکرد جعفر طیار علیه السلام و شناخت چگونگی آن سیاست به روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد تاریخی انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که پیامبر صلی الله علیه و آله براساس مبانی و اصولی مانند توحید، حاکمیت خدا، جهانی بودن اسلام و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، عدالت، نفی سبیل، برقراری ارتباط و وفای به عهد و پیمان و استفاده از راهبردهایی مانند دعوت اسلامی، جهاد و صلح، سیاست خارجی خود را بنا نهاد. راهبردهای رسول صلی الله علیه و آله در سیاست خارجی در راستای اهداف و براساس مبانی و اصول سیاست خارجی آن حضرت بود. براساس همان مبانی و اصول، جعفر طیار علیه السلام در رساندن پیام رسالت و سیاست‌های دولت نبوی به حبشه، اعمال سیاست خارجی دولت نبوی در برخورد با رومیان و حاکمان دست‌نشانده آنها در منطقه نقش مؤثری داشت. جعفر طیار علیه السلام با فرماندهی اولین جنگ اسلام خارج از جزیره‌العرب، خط‌شکن این نوع جنگ و پیشگام دیپلماسی نظامی شد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دولت نبوی، جعفر طیار علیه السلام، هجرت به حبشه.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷
۱. استادیار گروه تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مجتمع تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه‌المصطفی، قم، ایران.

۱. مقدمه

یکی از ابعاد سیره پیامبر ﷺ سیره حکومتی و سیاست خارجی آن حضرت است. با توجه به جهانی بودن دین اسلام و دعوت اسلامی که در جای خود اثبات شده است آن حضرت وظیفه داشت دین اسلام را به درستی تبیین کند و به گوش جهانیان برساند: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا؛ والا و پربرکت است آن (خدایی) که فرقان (قرآن) را بر بنده خود فرو فرستاد تا همه جهانیان را بیم‌دهنده باشد» (فرقان: ۱). با توجه به جهانی بودن رسالت رسول خدا ﷺ یکی از مسائل مهم در سیره ایشان، سیاست خارجی و چگونگی برخورد و تعامل آن حضرت با بیگانگان بود. بعد از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و شکل‌گیری حکومت اسلامی، روابط خارجی نیز به صورت رسمی شکل گرفت، هرچند پیش از آن، پیامبر اکرم ﷺ با فرستادن جعفر به حبشه روابط خارجی و دیپلماسی عمومی را به صورت غیر رسمی و در جایگاه یک پیامبر و رهبر دینی آغاز کرده بود. بدین ترتیب، در سایه روابط خارجی، سیاست خارجی نیز شکل گرفت. مراد از سیاست خارجی، چگونگی ارتباط پیامبر ﷺ با خارج از مدینه و با غیر مسلمانان بود.

بعد از هجرت رسول خدا ﷺ به یثرب، این شهر «مدینه‌النبی» نام گرفت و دارالاسلام شد. مدینه‌النبی بعد از هجرت، تمام مؤلفه‌های یک دولت یعنی، سرزمین، جمعیت، حاکمیت و حکومت را دارا شد و مرکز حکومت پیامبر اکرم ﷺ قرار گرفت. خارج از مدینه نیز دار الکفر به شمار می‌رفت. دار الکفر نیز دو قسم بود: دار الحرب و دار العهد. (فراتی، ۱۳۸۵) اگر غیر مسلمانان دار الکفر از در صلح با پیامبر اکرم ﷺ وارد می‌شدند و با ایشان پیمان صلح می‌بستند، سرزمین آنها دار العهد به شمار می‌رفت و جان و مال و سرزمین آنها محترم بود، ولی اگر با اسلام وارد جنگ می‌شدند و درصدد نابودی اسلام و مسلمانان برمی‌آمدند، سرزمین آنها دار الحرب نامیده می‌شد و احکامش با دار العهد متفاوت بود. شهید اول می‌گوید: «دار الاسلام منطقه‌هایی است که در آنجا حکم اسلام جریان دارد و در آنجا کفری جز آنکه با مسلمان‌ها پیمان صلح دارد، یافت نمی‌شود، ولی دار الکفر به جاهایی گفته می‌شود که در آنجا حکم و قانون کافران جاری است و در آنجا مسلمان یافت نمی‌شود مگر آنکه با کافران پیمان صلح

بسته باشد» (شهید اول، ۱۴۱۴ه.ق، ۳/۷۸).



منظور از سیاست خارجی، چگونگی ارتباط و تعامل دارالاسلام با دارالکفر است؛ سرزمینی که دارالاسلام بر آن صدق می‌کرد محدوده حکومت پیامبر اکرم ﷺ می‌بود. اولین حکومت در حجاز به دست پیامبر ﷺ بنیان نهاده شد که هسته اصلی و ابتدایی این حکومت در مدینه شکل گرفت و مدینه مرکز حکومت اسلامی شد. پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، محدوده سرزمینی این حکومت روز به روز گسترش می‌یافت و در آخرین روزهای زندگی رسول خدا ﷺ تمام شبه جزیره عربستان را شامل می‌شد.

در پژوهش حاضر، چگونگی ارتباط پیامبر ﷺ با دارالکفر، برخورد آن حضرت با بیگانگان و چگونگی عملکرد جعفر طیار رضی الله عنه در این زمینه بررسی شد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که سیاست خارجی در حکومت نبوی چگونه بود و جعفر طیار رضی الله عنه در آن چه نقشی داشت. بدین منظور اطلاعات و داده‌های پژوهش از متن قرآن کریم، کتب روایی، منابع دست اول تاریخ و سیره پیامبر ﷺ و همچنین تألیفات و پژوهش‌های جدید در موضوع مورد بررسی گردآوری و به روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد تاریخی تحلیل شد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره سیاست خارجی رسول خدا ﷺ تحقیقاتی انجام و مقاله‌هایی نوشته شده است، اما با موضوع حاضر تاکنون پژوهشی انجام نشده است. برخی از پژوهش‌های انجام شده و مرتبط با این موضوع عبارتند از:

- کتاب روابط خارجی در حکومت نبوی (احمدی، ۱۳۹۰). این کتاب، روابط خارجی در حکومت نبوی را بررسی کرده که از سویی عام‌تر از موضوع این مقاله است؛ زیرا به طور مفصل و به صورت عام به روابط خارجی پرداخته است. از سوی دیگر خاص‌تر است؛ زیرا عملکرد جعفر طیار رضی الله عنه را بررسی نکرده است.

- کتاب سیاست خارجی پیامبر ﷺ (جلیلی، ۱۳۷۳). این کتاب از نظر موضوع، عام‌تر از مقاله حاضر است و با رویکرد سیاسی نوشته شده است، اما مقاله حاضر رویکرد تاریخی دارد. همچنین این کتاب عملکرد جعفر طیار رضی الله عنه را بررسی نکرده است. در بخش سیاست خارجی پیامبر ﷺ از این کتاب استفاده شده است.



- کتاب بررسی فقهی اصل در روابط خارجی دولت اسلامی (ورعی، ۱۳۹۰). این کتاب با گرایش فقهی نوشته شده و اصل روابط خارجی دولت اسلامی را از نظر فقهی بررسی می‌کند. موضوع این کتاب از نظری عام است؛ زیرا تنها به دولت نبوی پرداخته است. از سوی دیگر خاص است که به عملکرد جعفر طیار علیه السلام نپرداخته است.

- مقاله «نظریه سیاست خارجی در دولت نبوی» (فرازی، ۱۳۸۵). رویکرد این مقاله سیاسی است نه تاریخی و بیشتر به احکام و مسائل دار الاسلام، دار الشریک و دار العهد پرداخته و عملکرد جعفر طیار علیه السلام در آن بررسی نشده است.

- مقاله «سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در روابط خارجی» (موسوی، ۱۳۸۶). رویکرد این مقاله فقهی است نه تاریخی و تأکیدی بر عملکرد جعفر طیار علیه السلام ندارد.

- کتاب جعفر بن ابی طالب رحیق النبوه و شذال الامامه (محمدعلی، ۱۴۴۲هـ.ق). این کتاب زندگانی و شخصیت جعفر طیار علیه السلام را به تفصیل بررسی کرده است. این اثر تتبع خوبی دارد، ولی بیشتر توصیفی است. در این کتاب نیز سیاست خارجی دولت نبوی و نقش جعفر در آن بررسی نشده است.

- پایان نامه جعفر بن ابی طالب ذوالجنحین و دوره فی الدعوه الاسلامیه (فلیح حنوش، ۱۴۲۳هـ.ق). این پایان نامه، مطالب عمومی خوبی درباره جعفر طیار علیه السلام دارد و شخصیت جعفر طیار علیه السلام و نقش او در دعوت اسلامی را بررسی کرده است، اما سیاست خارجی دولت نبوی و نقش جعفر طیار علیه السلام در آن را بررسی نکرده است.

- مقاله «بررسی و تحلیل اصول حاکم بر روابط خارجی در حکومت نبوی» (احمدی، ۱۴۰۱). این مقاله دیگر اثر نگارنده مقاله حاضر است که به بررسی و تحلیل اصول حاکم بر روابط خارجی در حکومت نبوی پرداخته است. این دو مقاله با هم تفاوت دارند و هیچکدام جایگزین دیگری نیست.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. سیاست خارجی: سیاست خارجی عبارت است از: سیاست یک دولت در کنش متقابل با دیگر دولت‌ها. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳)

۳-۲. دولت نبوی: مراد از دولت نبوی همان دولت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که بعد از

هجرت به مدینه، هنگامی که زمینه‌های تشکیل یک دولت، سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت فراهم گردید، بنا نهاده شد. این دولت بر اصولی استوار بود و اهدافی داشت که الهام گرفته از قرآن کریم می‌باشد.

۳-۳. جعفر طیار رضی الله عنه: جعفر بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم از صحابه نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله، از متقدمان در اسلام و مجاهدان راه دین، از فرماندهان سپاه اسلام و سفیران امین و توانمند در دوران رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. وی بیست سال پیش از بعثت متولد شد و جزو اولین ایمان آورندگان به اسلام بود. او در جمادی الاولی سال هشتم هجری در جنگ مؤنه به شهادت رسید.

۴. مبانی و اصول سیاست خارجی در حکومت نبوی

مبانی و اصول سیاست خارجی در حکومت نبوی عبارتند از: توحید و خدامحوری، انحصار حاکمیت برای خداوند و نفی حاکمیت غیر خدا، جهانی بودن دین اسلام و رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله، اصل وجوب دعوت اسلامی و جهانی بودن آن، اصل عدالت و نفی ظلم، اصل نفی ولایت کفار و نفی سبیل، اصل برقراری ارتباط با کسانی که قصد تعرض به مسلمانان را ندارند و در جنگ با اسلام نیستند و اصل وفای به عهد و پیمان.

۵. اهداف سیاست خارجی در دولت نبوی

۵-۱. مبارزه با شرک و بت‌پرستی و گسترش یکتاپرستی در جهان

با توجه به جهانی بودن دین اسلام، اهداف سیاست خارجی دولت نبوی نیز جهانی خواهد بود. توحید و یکتاپرستی، اساس دین اسلام است، پس هدف اصلی دعوت سلامی، گسترش یکتاپرستی در جهان و مبارزه با شرک و کفر است.

۵-۲. مبارزه با ستمگران و آزاد کردن انسان‌ها از زیر یوغ طاغوت‌ها

عدل و قسط از مسائل اساسی دین اسلام است. خداوند راضی نیست انسان‌ها گرفتار ظلم و جور باشند و زیر یوغ طاغوت‌های مستضعف‌نگه داشته شوند. حق آنهاست که آزادی، حق انتخاب و زندگی شرافتمندانه داشته باشند. بنابراین، یکی از اهداف مهم رسالت انبیا، به‌ویژه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله گسترش عدالت و آزادی بشریت از قید طاغوت‌ها و ستمگران بوده است.



۵-۳. تشکیل حکومت واحد جهانی و امت واحده

گسترش توحید و عدالت در جهان و آزادی انسان‌ها از قید طاغوت به ساز و کار لازم و تشکیلات قدرتمند نیاز دارد. تحقق این اهداف، تشکیل حکومت جهانی اسلامی را ضروری می‌کند. حکومت اسلامی نیز به تبع جهانی بودن رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دعوت اسلامی، فراگیر و جهان‌شمول است. پیامبر صلی الله علیه و آله در نظام‌نامه مدینه، مسلمانان را امت واحده نامیده است. بسیار روشن است که امت واحده بدون ایجاد حکومت شکل نمی‌گیرد. (سیحانی، ۱۳۷۰) بنابراین، پیامبر صلی الله علیه و آله در اولین فرصت با فراهم شدن مؤلفه‌های حکومت (سرزمین، جمعیت، حاکمیت) بعد از هجرت به مدینه، حکومت اسلامی را پایه‌گذاری کرد. آرمان نهایی اسلام درباره روابط و مناسبات اسلامی، رسیدن به امت واحده و از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و به وجود آمدن حکومت واحد الهی در جهان است (عمید زنجانی، ۱۳۶۷).

با توجه به تصریح برخی آیات و روایات نسبت به جهانی بودن دین اسلام و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، بنابراین حکومت اسلامی، دعوت اسلامی و امت اسلامی نیز باید جهانی باشد. از دیدگاه اسلام، جامعه بشری مجموعه‌ای واحد است که در فطرت، تفکر و هدف هم‌گون بوده و تمام اختلاف‌ها و عوامل جدایی آن، عرضی و ناشی از ویژگی‌های منفی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «این امت شما امتی واحد است و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید» (انبیاء: ۹۲). اسلام احکام خود را بر اساس فطرت انسانی تنظیم کرده و به چیزی دعوت می‌کند که در سرشت انسان‌ها نهفته است. فطرت انسان در همه جای جهان یکسان است. رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دعوت اسلامی برای همه انسان‌هاست و امت اسلامی همه انسان‌ها را در برمی‌گیرد. لازمه جهانی بودن دین اسلام و دعوت اسلامی، تشکیل امت واحده است. بنابراین، یکی از اهداف سیاست خارجی در حکومت نبوی، تشکیل حکومت واحد جهانی و امت واحده است.

۶. راهبردهای سیاست خارجی در دولت نبوی

۶-۱. دعوت اسلامی

دعوت اسلامی بر جنگ و جهاد مقدم است و بدون دعوت، جنگ جایز نیست. این مطلب



به خوبی در سیره رسول خدا ﷺ دیده می‌شود. پیامبر ﷺ این راهبرد و تقدم آن نسبت به راهبرد جنگ را از اصول دین و وحی الهی گرفته بود. عالمان دین و فقهای اسلام نیز با استفاده از قرآن، سیره و سنت رسول خدا ﷺ به تقدم دعوت بر جنگ، فتوا داده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۰هـ.ق) شیخ طوسی در این باره می‌گوید: «مسلمانان پیش از دعوت به توحید و نبوت، حق نبرد با کافران را ندارند» (طوسی، ۱۴۱۷هـ.ق، ۵/۲۶۵ و ۵۲۰). در شریعت اسلام، جنگ ابزاری است که در حالت اضطرار و در قالب آخرین راه چاره کاربرد دارد (موسوی، ۱۳۸۴). جنگ و جهاد، مرحله‌ای از دعوت است که برای برداشتن موانع دعوت تشریح شده است. راهبرد دعوت به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شد که هر شیوه‌ای یکی از راه‌های دعوت بود. پیامبر ﷺ در راهبرد دعوت علاوه بر موعظه و یادآوری آیات قرآن و توجه دادن به معاد، راه‌های گوناگون دیگری نیز در دستور کار قرار می‌داد که مهمترین آنها عبارتند از:

۶-۱-۱. انعطاف‌پذیری با وجود قاطعیت

پیامبر ﷺ در حالی که در حفظ اصول و مبانی قاطعیت به‌کار می‌برد و ذره‌ای از اصول، مبانی و ارزش‌های الهی فاصله نمی‌گرفت، انعطاف‌پذیر نیز بود. وقتی وفد ثقیف نزد آن حضرت آمد، درخواست کرد که بت «لات» را تا سه سال نشکنند و نماز نخوانند. رسول خدا ﷺ این درخواست را نپذیرفت، اما درخواست دیگر آنها را که می‌خواستند بت‌ها را به دست خود نشکنند، پذیرفت. (طبری، بی‌تا، ۲/۹۹) نمونه دیگر اینکه رسول خدا ﷺ به مقوقس، حاکم مصر، نامه نوشت و او را به اسلام دعوت کرد. او اسلام را نپذیرفت، اما هدایایی برای رسول خدا ﷺ فرستاد (ابن اثیر، ۱۴۱۴هـ.ق، ۱/۵۹۱) حضرت هدایای او را پذیرفت.

۶-۱-۲. استفاده از نقاط مشترک

پیامبر ﷺ برای پیشبرد اهداف اسلام از نقاط مشترک استفاده می‌کرد. قرآن کریم نیز اهل کتاب را به نقاط مشترک دعوت می‌کند و خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سوائه بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرك به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله؛ بگو ای اهل کتاب! بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است، پیروی کنیم که به جز خدای یکتا را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی از ما برخی دیگر را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم» (آل عمران: ۶۴).



۶-۱-۳. مذاکره و دیپلماسی

یکی از روش‌های رسول خدا ﷺ دعوت، گفت‌وگو، مذاکره و دیپلماسی بود. گفت‌وگو با سران قریش، سران قبایل اطراف، پذیرفتن وفدها یا هیئت‌های نمایندگی قبایل و گفت‌وگو و مذاکره با آنها، فرستادن سفیر و نامه به سران حکومت‌ها و رهبران ادیان از نمونه‌های آن است.

۶-۱-۴. استفاده از عوامل اقتصادی

استفاده از مسائل مالی در تألیف قلوب و جذب افراد به اسلام یکی دیگر از روش‌های رسول خدا ﷺ در راهبرد دعوت بود. دادن سهمی اضافه به تازه‌مسلمانان مکه از غنایم جنگ حنین، یکی از نمونه‌های آن است. (ابن هشام، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴/۱۳۵)

۶-۱-۵. استفاده از عوامل سیاسی

رسول خدا ﷺ در برخی از نامه‌های دعوت، به سران حکومت‌ها و قبایل می‌فرمود: «اگر مسلمان شود او را در حکومتش باقی می‌گذارد». برای مثال در نامه‌اش به حارث بن ابی شمر غسانی، حاکم غسانیان، فرمود: «إِنِّي أَدْعُوكَ إِلَى أَنْ تَوْتَمِنَ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ يَبْقَى مَلِكًا؛ تو را دعوت می‌کنم به ایمان آوردن به خدای یگانه بی شریک تا حکومتت برایت باقی بماند» (طبری، بی‌تا، ۲/۶۵۲). همچنین در نامه‌اش به هوزه بن علی، شیخ یمامه، فرمود: «فَأَسْلَمَ تَسْلَمَ وَأَجْعَلَ لَكَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ؛ اسلام بیاور تا سالم بمانی و آنچه در دست توست برایت باقی بگذارم» (احمدی میانجی، ۱۹۹۸، ۲/۲۴۳؛ حلبی، بی‌تا، ۳/۲۵۴).

۶-۱-۶. ارسال هیئت‌های تبلیغی

رسول خدا ﷺ برای دعوت به اسلام و آشنا کردن مردم با قرآن و آموزه‌های اسلامی، افراد یا گروه‌هایی را برای تبلیغ دین به سرزمین غیرمسلمانان ارسال می‌کرد. ارسال جعفر بن ابی طالب (رضی الله عنه) در رأس گروه مهاجران به حبشه از اولین مصادیق ارسال هیئت تبلیغی از جانب پیامبر اکرم ﷺ است.

۶-۱-۷. پذیرش هیئت‌های اعزامی از جانب غیر مسلمانان (وفود)

گاهی از جانب غیر مسلمانان، هیئت‌هایی به محضر پیامبر اکرم ﷺ مشرف می‌شدند که هدف آنها مذاکره و گفت‌وگو با رسول خدا ﷺ و آشنا شدن با اسلام بود. حضرت به خوبی

از آنها استقبال می‌کرد و سخن آنها را با دقت می‌شنید. پیامبر ﷺ به آنها هدایایی می‌داد و توصیه‌هایی برایشان می‌نوشت. اگر اسلام را می‌پذیرفتند حضرت کسی از آنها را برای نماینده خود تعیین می‌کرد و دستورالعمل‌های لازم را به او می‌داد. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲۲۲/۱)

۶-۲. جهاد

جهاد، از احکام مهم اسلام است که خداوند در قرآن بارها از آن یاد کرده است: «وَمَا لَكُمْ لَأْتِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنَ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنَ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمکاران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید. همان افراد (ستمدیده‌ای) که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر و از طرف خود برای ما سرپرستی و از جانب خود یار و یاورى قرار بده». (نساء: ۷۵) باز می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً وَيُكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ؛ با آنها پیکار کنید تا فتنه (برگرداندن مردم از دین حق) باقی نماند و دین، مخصوص خدا باشد» (بقره: ۱۹۳).

نکته مهم این است که دعوت، مقدم بر جهاد است. رسول خدا ﷺ مأمور رساندن پیام الهی به گوش جهانیان بود، ولی موظف نبود مردم را به اسلام متدین کند بلکه مردم، خود باید اسلام را آزادانه و آگاهانه انتخاب می‌کردند. آن حضرت تلاش می‌کرد موانع سر راه مردم را بردار تا آنها آزادانه دست به انتخاب بزنند، ولی روشن است که همه مردم آن‌گونه نبودند که سخن حق را بشنوند و به راحتی بپذیرند. کسانی مثل اشراف قریش، اهل عناد، فساد و قدرت طلب بودند و بر باطل خود پای می‌فشردند. افزون بر آن، شماری از مستضعفان را نیز فریب داده و نه تنها مانع ایمان آوردن آنها می‌شدند، بلکه آنها را به مقابله با رسول خدا ﷺ و مسلمانان وامی‌داشتند. چنین افراد و گروه‌هایی در برابر اسلام مانع ایجاد می‌کردند و در برابر حق می‌ایستادند. آنها راه‌های سیاسی و مسالمت‌آمیز را به برخورد نظامی تبدیل می‌کردند. در برابر این افراد و گروه‌ها، جز برخورد نظامی چاره‌ای نمی‌ماند و در چنین موقعیتی جهاد و دفاع واجب می‌شد. رسول خدا ﷺ جنگ و جهاد را راهبردی برای رسیدن به هدف می‌دانست و از آن استفاده می‌کرد و با توجه به مبانی و اصول و با وجود همه شرایط اقدام به جنگ می‌کرد.



مهمترین روش‌های راهبرد جنگ و جهاد عبارتند از: رعایت کامل اصول نظامی مانند تجهیز نیرو، تهیه سلاح، اطلاعات و ضد اطلاعات، به‌کارگیری تدابیر و اصول نظامی؛ ایمان و توکل به خدا، رعایت تقوا و جلب کردن امدادهای الهی؛ دیپلماسی فعال در حال جنگ مانند انعقاد پیمان‌های سیاسی با قدرت‌های بی‌طرف، خنثی کردن نیروهای مخالف و مذاکره هنگام جنگ؛ قاطعیت در موضع‌گیری و در عمل؛ استفاده از عوامل اقتصادی. (جلیلی، ۱۳۷۳)

۶-۳. راهبرد صلح

در اسلام، صلح جایگاه ویژه‌ای دارد. واژه سلم (صلح) در قرآن و سنت پرتکرار است و با اسلام پیوند وثیقی دارد. اسلام دین سلم، صلح و سلام است. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای پیشبرد اهداف اسلام از صلح بیشتر از جنگ استفاده کرد. در سایه صلح حدیبیه، اسلام گسترش یافت و زمینه فتح مکه بدون خون‌ریزی فراهم شد. گفتنی است که در روابط خارجی دولت اسلامی نه جنگ اصل است، آن‌گونه که رئالیست‌ها می‌اندیشند و نه صلح همیشگی است آن‌گونه که ایدئالیست‌ها باور دارند، بلکه از نظر اسلام، پدیده جنگ و صلح واقعیت عینی تاریخ بشر را تشکیل می‌دهد. اسلام با توجه به رسالت جهانی خود در مورد دعوت همگان به سعادت و... اصل را بر صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز قرار داده است. (بهزادی، ۱۳۸۶) با توجه به آیات، روایات و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی‌توان گفت که اصل در روابط خارجی جنگ و جهاد است و صلح و سازش جنبه فرعی و تبعی دارد؛ زیرا دلایل عقلی و نقلی چنین قاعده‌ای را اثبات نمی‌کند. اصالت صلح نیز هرچند مقتضای برخی از دلایل عقلی و نقلی است، اما این نظریه نیز خالی از اشکال و ابهام نیست. اگر امر دایر بین دو نظریه پیشین باشد نظریه دوم یعنی، اصالت صلح بر نظریه اصالت جنگ و جهاد ترجیح دارد (ورعی، ۱۳۹۰).

به نظر می‌رسد اصل اولیه در سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله برقراری ارتباط در سایه صلح و گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز بود. اقدام به جنگ در صورتی بود که این اصل زیر پا گذاشته و عهد و پیمان شکسته می‌شد و یا ظلم و فساد رخ می‌داد. در این صورت نیز اگر دشمن به صلح تمایل نشان می‌داد رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز گزینه صلح را انتخاب می‌کرد. آن حضرت برای تحقق راهبرد صلح و رسیدن به اهداف سیاست خارجی از روش‌هایی مانند ایجاد زمینه برای تحقق صلح، دیپلماسی، مذاکره، تهدید به جنگ و... استفاده می‌کرد. در

راستای راهبرد صلح، رسول خدا ﷺ عهدنامه‌ها و پیمان‌های صلح فراوانی منعقد کرد. پیمان‌های گوناگون پیامبر ﷺ با گروه‌ها و قبایل مختلف و پایبند بودن آن حضرت به پیمان‌ها و وفای به عهدها شاهد و گواه صلح‌جویی آن حضرت است.

۷. نقش جعفر طیار رضی الله عنه در سیاست خارجی دولت نبوی

پیش از هر چیز یادآوری این نکته لازم است که مورخان، تمام فعالیت‌های جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه در حبشه و حوادث مرتبط با او را ثبت نکرده‌اند. از این رو، در این زمینه کمبود اطلاعات درباره جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه وجود دارد.

جعفر طیار رضی الله عنه، پیش از تشکیل حکومت اسلامی و آغاز سیاست خارجی دولت نبوی، به صورت رسمی و به شکل مرسوم آن در جایگاه نماینده رسول خدا ﷺ و سرپرست مهاجران به حبشه، به همراه آنها به حبشه رفت و فعالیت‌های خود را از آنجا آغاز کرد. فعالیت وی در حبشه هرچند نمایندگی سیاسی و فعالیت دیپلماسی اصطلاحی نبود، اما به صورت غیررسمی فعالیت دیپلماسی انجام می‌داد و نماینده رسول خدا ﷺ بود. حتی اگر رسول خدا ﷺ در آن زمان حکومت داشت و جعفر که سفیر رسمی سیاسی آن حضرت بود به آنجا می‌رفت همین فعالیت‌ها را انجام می‌داد؛ زیرا در اسلام، سیاست و دیانت از هم جدا نیستند و فعالیت جعفر طیار رضی الله عنه که نماینده رسول خدا ﷺ بود در زمانی که حکومت ندارد با زمانی که حکومت دارد فرق چندانی ندارد. بنابراین، فعالیت‌های جعفر طیار رضی الله عنه پیش از تشکیل حکومت اسلامی و در راستای دعوت اسلامی را نیز می‌توان فعالیت دیپلماتیک برشمرد.

جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه یکی از سفرای پیشگام و موفق بود. جعفر توانست توجه حاکم حبشه نسبت به مسلمانان و موافقتش با حضور آنها در حبشه را جلب کند. وقتی نمایندگان سران قریش مکه نزد نجاشی آمده بودند تا مهاجران را به مکه برگردانند، جعفر طیار رضی الله عنه با کیاست و درایت، توطئه‌ها و نقشه‌های آنها را خنثی کرد. وی توانست براساس همان راهبرد دعوت اسلامی و با همان روش‌های دعوت اسلامی انجام وظیفه کند. او همچنین توانست با استفاده از نقاط مشترک و استناد به قرآن و با استدلال منطقی، حق را بیان کند و حاکم حبشه را متقاعد کند که مسلمانان را به نمایندگان قریش تحویل ندهد.



۸. چرایی هجرت به حبشه

بنابر گزارش‌های تاریخی، مسلمانان در مکه از جانب قریش زیر فشار بودند و شکنجه و آزار می‌دیدند. رسول خدا ﷺ دستور هجرت داد و فرمود: «به سوی حبشه بروید؛ زیرا در آنجا پادشاهی حکومت می‌کند که نزد او به کسی ستم نمی‌شود. آنجا سرزمین صداقت است. در آن سرزمین، حاکمی صالح حکومت می‌کند که به او نجاشی می‌گویند. در سرزمین تحت حکومت او به کسی ظلم نمی‌شود» (طبری، بی تا، ۳۲۸/۲). در پی این دستور، برخی از مسلمانان به سرزمین حبشه مهاجرت کردند و این اولین هجرت در سلام بود (ابن هشام، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۲۲/۱). ابتدا یازده مرد و چهار زن به حبشه هجرت کردند. این هجرت در ماه رجب سال پنجم بعثت انجام شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۵۹/۱).

مهاجران به حبشه بعد از مدت کوتاهی اقامت در حبشه، به مکه بازگشتند. ابن سعد می‌گوید: «مهاجران در رجب سال پنجم بعثت به حبشه رفتند و ماه‌های شعبان و رمضان در حبشه بودند و در ماه شوال سال پنجم بعثت به مکه بازگشتند» (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۶۱/۱). درباره علت بازگشت به مکه اختلاف وجود دارد. در روایت آمده است: «مردم حبشه جمع شدند و به نجاشی گفتند که تو دین ما را رها کردی و به همین علت علیه نجاشی شوریدند» (ابن هشام، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۴۱/۱). از این رو، در حبشه ناآرامی به وجود آمد. نجاشی، جعفر و همراهانش را خواست و کشتی‌هایی برایشان فراهم کرد و گفت: «سوار شوید و هر جا می‌خواهید، بروید و منتظر باشید. اگر من شکست خوردم شما به هر جا که می‌خواهید بروید و اگر بر این شورش پیروز شدم، برگردید و در همین جا بمانید» (ابن هشام، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۴۱/۱). براساس تواریخ، برخی از مهاجران به سوی مکه بازگشتند تا ببینند اگر اوضاع مساعد باشد، وارد مکه شوند. به هر حال، برخی از آنها با گرفتن جوار (پناه) از برخی از بزرگان قریش وارد مکه شدند و بقیه افراد دوباره به حبشه بازگشتند.

۹. هجرت جعفر بن ابی طالب علیه السلام به حبشه

با فاصله کوتاهی از مهاجرت گروه اول از مهاجران به حبشه، گروه دیگری از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابی طالب علیه السلام به حبشه هجرت کردند. به گفته ابن سعد، مجموع مهاجران به حبشه در این دو نوبت ۸۳ مرد و ۱۱ زن از قریش و ۷ نفر از غیر قریش بود.



(ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱/۱۶۲) در گزارش‌های تاریخی به تاریخ دقیق این هجرت اشاره نشده است. شاید به این دلیل باشد که فاصله چندان‌ی با مهاجرت گروه اول نداشت و این دو هجرت را یک هجرت به حساب آورده‌اند. گفتنی است که مهاجرت به حبشه ادامه داشت و تعداد مهاجران به حبشه به صدها نفر رسید. فتحی غیث می‌گوید: «بعضی‌ها تعداد مجموع مهاجران به حبشه را ششصد نفر ذکر کرده‌اند و مدت اقامت مهاجران در حبشه از ابتدای هجرت اول تا آخر، شانزده سال بوده است» (فتحی غیث، بی‌تا). جعفر بن ابی طالب ع به همراه مهاجران به حبشه رفت و سرپرست مهاجران و سفیر رسول خدا ص در حبشه بود و مشغول به کار شد. هجرت جعفر بن ابی طالب ع به حبشه برای فرار از آزار و شکنجه قریش نبود. او از قبيله قریش و خاندان بنی هاشم و فرزند ابوطالب ع بود. بنابراین، کسی جرأت تعرض به وی را نداشت. باید گفت که او برای انجام رسالتی بزرگ از جانب رسول خدا ص راهی حبشه شد.

۱۰. دلایل انتخاب جعفر طیار ع برای سفیر و سرپرست مهاجران به حبشه

جعفر طیار ع نیرو، توان و اهلیت سرپرستی مهاجران به حبشه را داشت. او شخصیتی برجسته و مؤمن به رسالت رسول خدا ص و شبیه‌ترین فرد به آن حضرت بود. رسول خدا ص درباره او فرمود: «وَأَمَّا أَنْتَ يَا جَعْفَرُ فَأَشْبَهْتَ خَلْقِي وَخُلُقِي وَأَنْتَ مِنْ عَتْرَتِي الَّتِي أَنَا مِنْهَا؛ وَأَمَّا تَوَايِ جَعْفَرُ! شَبِيهٌ مِنْ هَسْتِي، هَمَّ مِنْ جِهَتِ وَبِيْظِغِي هَمَّ مِنْ جِهَتِ اخْلَاقِ وَرُوحِيَّاتِ وَتَوَايِ هَمَّانِ عَتْرَتِ مَنْيْ كَهْ مِنْ أَيْزِ أَنْمِ». این بدان معناست که جعفر نیز مانند رسول خدا ص خلق عظیم داشت. او از خاندان رسول خدا ص و از پیشگامان در اسلام و تربیت یافته رسول خدا ص بود. بنابراین، پیامبر اکرم ص با توجه به ویژگی‌های جعفر او را به سوی حبشه گسیل داشت. وی در حبشه آینه تمام‌نمای رسول خدا ص و سخنش سخن آن حضرت بود. در بین مهاجران کسی مانند جعفر، شایستگی‌های لازم برای این کار را نداشت. در حبشه، ارتباط با نجاشی بر عهده جعفر بود. وی به نجاشی نزدیک شد و در دل او جا باز کرد و طوری اعتماد او را جلب کرد که به دست جعفر مسلمان شد. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱/۱۹۸) رابطه آنها به قدری دوستانه شده بود که نجاشی فرزند تازه به دنیا آمده‌اش را عبدالله نام نهاد و اسماء، همسر جعفر، آن بچه را تا پایان شیرخوارگی شیر داد (ابن‌الحجرو



جعفر طیار ع در حبشه کاری مانند کار حضرت یوسف ع در دربار مصر، انجام داد. اگرچه بسیاری از مورخان به سفارت جعفر تصریح نکرده‌اند، اما در لابه‌لای کلام آنها مطالبی هست که دلالت بر سفارت و نمایندگی او از رسول خدا ص دارد. ابن سعد در *الطبقات الکبری* در بخش مربوط به زندگی نامه ابوموسی از ابی برده، فرزند ابوموسی، نقل می‌کند که پدرم گفت: «رسول خدا ص ما را امر کرد که با جعفر به حبشه برویم» (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۴/۷۹). این مسئله بیانگر سرپرستی جعفر و نمایندگی او از رسول خدا ص است. همچنین ابن سعد در بخش زندگی نامه جعفر از قول محمد بن عمر گفته است: «برای ما روایت شده است که امیر مهاجران در هجرت به حبشه، جعفر بن ابی طالب ع بوده است» (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۴/۲۵). این مطلب به امارت و سفارت جعفر تصریح دارد.

دلیل دیگر آن است که به نقل از ام سلمه آورده‌اند: «هنگامی که قریش نمایندگان خود را برای بازگرداندن مهاجران به حبشه نزد نجاشی فرستادند، او مسلمانان مهاجر را خواست تا از چگونگی مهاجرت آنها جو یا شود. نجاشی سؤالاتی از مسلمانان پرسید که جعفر جواب داد» (ابن هشام، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱/۲۳۶). این حاکی از جایگاه ویژه جعفر طیار ع در بین مهاجران و امارت او بر آنهاست. محمود شلبی می‌گوید: «جعفر به همراه همسرش، اسماء، به حبشه هجرت کرد و در آنجا ماند تا سال فتح خیبر که به همراه همسرش به مدینه برگشت. او در حبشه، امیر مهاجران و سخنگوی آنها بود» (شلبی، بی‌تا). علی المعلم می‌گوید: «شکی نیست که جعفر بن ابی طالب ع امیر کاروان مهاجران به حبشه بود» (المعلم، ۱۴۴۲ هـ.ق).

۱۱. فعالیت‌ها و عملکرد جعفر بن ابی طالب ع در حبشه

جعفر در حبشه در قامت سفیر و نماینده‌ای تمام عیار برای رسول خدا ص ظاهر شد. هر چند درباره نمایندگی جعفر طیار ع از رسول خدا ص و فعالیت‌های او در حبشه اطلاعات کمی موجود است، ولی اوضاع حبشه در آن دوران، اسلام آوردن نجاشی، همراهی حکومت حبشه با مسلمانان، زندگی همراه با کرامت و آرامش آنها در آن سرزمین و عزت و احترامی که داشتند همه حاکی از عملکرد بسیار خوب جعفر طیار ع، سرپرست مهاجران



و نماینده رسول خدا ﷺ در آن سرزمین بود. جعفر طیار رضی الله عنه در حبشه اقداماتی انجام داد که در راستای امارت جعفر قرار داشت و بر نمایندگی او از رسول خدا ﷺ دلالت دارد. اولین اقدام جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه بعد از هجرت به حبشه دیدار با نجاشی و تقدیم نامه رسول خدا ﷺ به نجاشی بود. این دیدار در اوایل هجرت به حبشه بود و غیر از دیداری است که با حضور فرستادگان قریش صورت گرفت. این همان راهکار دیپلماسی و مذاکره در سیاست خارجی دولت نبوی بود.

اگر سطحی به گزارش مورخان نگریسته شود چنین برداشت می شود که پیش از رفتن عمروعاص و همراهش نزد نجاشی و اعلام درخواست سران مشرک قریش مبنی بر استرداد مهاجران به حبشه، نجاشی از حضور جعفر و سایر مهاجران مسلمان در حبشه خبر نداشته است. باید گفت که چنین برداشتی درست نیست؛ زیرا جعفر در بدو ورود به حبشه به دیدار نجاشی رفت و نامه رسول خدا ﷺ را به او تقدیم کرد و نجاشی در جریان مهاجرت مسلمانان به حبشه قرار گرفت و به آنها پناه داد. درباره نامه های رسول خدا ﷺ به نجاشی اختلاف نظر وجود دارد. در این زمینه علی احمدی میانجی معتقد است که رسول خدا ﷺ نامه ای به نجاشی نوشت و درباره جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه و همراهانش سفارش کرد، حضرت عیسی رضی الله عنه و مادرش را ستود و نجاشی را به اسلام دعوت کرد. ظاهر این است که پیامبر ﷺ این نامه را همراه جعفر به حبشه فرستاد. (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۲/۴۳۰)

جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه در حبشه کارهایی انجام داد که زمینه را برای زندگی باعزت برای مسلمانان فراهم کرد. مسلمانان مهاجر در آنجا در کمال آرامش و در امنیت و آسایش با سربلندی زندگی کردند. این خود نشانگر آن است که جعفر، سفیر رسول خدا ﷺ و سرپرست مهاجران بوده است. جعفر توانست با دیپلماسی و مذاکره، نجاشی را متقاعد کند که به مسلمانان پناه دهد و از آنها حمایت کرده و امنیت و آسایش آنها را تأمین کند. او براساس راهبرد دعوت اسلامی و راهکار ارسال سفیر و دیپلماسی و مذاکره، سفیر رسول خدا ﷺ و مبلغ دین اسلام و سرپرست مهاجران بود و به همراه آنها رفت و فراری و پناهنده نبود. به همین دلیل، ایشان از مسیحیت تأثیر نگرفت و به خوبی وظیفه خود را انجام داد. جعفر با توانمندی های خود براساس مبانی و اصول سیاست خارجی پیامبر اکرم ﷺ و





راهبردهای آن توانست نجاشی را متقاعد کند که اسلام دین حق است. نجاشی، مسیحی مؤمنی بود و اطلاعات دینی فراوانی داشت. از طرف دیگر، او انسان زبیرک و باهوشی بود و به راحتی هر حرفی را نمی پذیرفت. جعفر توانست براساس راهکار استفاده از نقاط مشترک و به روش جدال احسن، اعتماد نجاشی را جلب و حقانیت اسلام را برای او ثابت کند.

هنگامی که نجاشی از او پرسید: «این چه دینی است که با داشتن آن، دین قوم خویش را ترک کردید و به هیچ دین دیگری درنیامدید و دین ما را نیز نپذیرفتید؟» جعفر جواب داد: «ای فرمانروا! ما قومی بودیم اهل جاهلیت؛ بت می پرستیدیم، گوشت مردار می خوردیم، فاحشه‌گری بین ما رواج داشت، پیوند با بستگان را می گسستیم، حق همسایگی را فراموش کرده بودیم، قدرتمندان ما ضعیفان را نبود می کردند. اوضاع ما چنین بود تا اینکه خداوند کسی را از بین ما مبعوث به رسالت کرد که نسب او را می شناختیم، به صدق و امانتداری و عفت او آگاه بودیم، او ما را به سوی خدای یگانه و عبادت او دعوت می کرد، ما با (هدایت او) غیر خدا از سنگ‌ها و بت‌ها که عبادت می کردیم، دور انداختیم. او ما را به راستی در گفتار و ادای امانت و پیوند با خویشاوندان و نیکی به همسایه و دوری از ارتکاب محارم و پرهیز از خون‌ریزی امر کرد و از کارهای زشت، سخن دروغ، خوردن مال یتیم و تهمت به پاکدامن نهی کرد. همچنین او ما را امر کرد که خدا را به یگانگی پرستش کنیم و هیچ‌گاه به او شرک نوزیم. نماز، روزه و زکات را ادا کنیم». جعفر همین‌طور احکام الهی را یکی یکی برشمرد و سپس گفت: «ما این پیامبر را تصدیق کرده به او ایمان آوردیم و از او تبعیت کردیم. ما خدا را به یگانگی عبادت کردیم و به او شرک نوزیدیم. آنچه خدا حرام کرده بود، حرام دانستیم و آنچه حلال کرده بود، حلال شمردیم». نجاشی پرسید: «آیا از آنچه که پیامبرتان از جانب خدا آورده است، چیزی نزد شما هست». جعفر گفت: «آری». نجاشی گفت: «آن را بخوان». جعفر آیات اول سوره مریم علیها السلام را خواند (استفاده از نقاط مشترک). نجاشی با شنیدن این آیات به گریه افتاد و محاسنش با اشک چشمانش خیس شد. اسقف‌های حاضر در مجلس نیز به گریه افتادند و کتاب‌های گشوده شده در مقابل آنها از اشک چشمانشان خیس شد. این یعنی، تحت تأثیر قرار دادن واقعات مخاطب در دیپلماسی و مذاکره. نجاشی گفت: «این آیات و آنچه که عیسی علیه السلام آورده است از یک جایگاه آمده‌اند». (ابن هشام، ۱۴۱۳ ه.ق، ۱/۳۳۶)

جعفر طیار علیه السلام با بیانات خود در مجلس فوق، اوضاع عرب پیش از اسلام و بعد از اسلام

به‌کارگیری درست روش‌های مذاکره براساس راهبردهای سیاست خارجی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. این خبر نشان‌گر آن است که جعفر طیار علیه السلام عالم و آگاه به دین بود و مسیحیت و نجاشی را نیز به خوبی می‌شناخت. جعفر، عالم و دارای مقام اجتهاد در دین بود و این ویژگی‌ها از او سفیری تمام‌عیار و آگاه به مبانی و اصول دین و سیاست خارجی نبوی ساخته بود. بدین ترتیب با موضع‌گیری‌های درست جعفر، عمروعاص در اهدافش ناکام ماند. نجاشی هدایای عمرو و همراهش را به آنها برگرداند و آن را رشوه برشمرد. (ابن هشام، ۱۴۱۳هـ.ق، ۳۳۸/۱) جعفر طیار علیه السلام برای رسوایی بیشتر نمایندگان قریش سه سؤال از آنها پرسید؛ اما نه مستقیم، بلکه از نجاشی خواست که از آنها بپرسد: «ما برده هستیم یا آزاد؟ اگر برده هستیم و از اربابمان فرار کرده‌ایم ما را به اربابمان برگردانید». عمرو جواب داد که اینها آزاد هستند. جعفر گفت: «از آنها بپرس: ما خون کسی را به ناحق ریخته‌ایم که باید قصاص شویم؟» عمرو گفت «خیر». جعفر گفت: «از آنها بپرس: ما مال کسی را به ناحق برده‌ایم که قضای آن بر گردن ما باشد؟» عمرو گفت: «خیر». نجاشی به آنها گفت: «شما دینی به گردن اینها دارید؟» گفتند: «خیر». نجاشی گفت: «بروید، به خدا سوگند! هیچ‌گاه آنها را به شما تسلیم نمی‌کنم» (حلی، بی تا، ۳۴۱/۱).

جعفر طیار علیه السلام در حبشه به تبلیغ و ترویج دین اسلام پرداخت. او توانست افزون بر نجاشی، جمعی از مسیحیان حبشه را نیز مسلمان کند و این یعنی، آگاهی از راهبرد دعوت اسلامی و استفاده درست از روش‌های آن. وی کاری کرد که حبشه نه تنها مخالف و مزاحمی برای اسلام نشد، بلکه به دوست و همراه تبدیل شد و هیچ‌گاه از جانب حبشه مشکلی برای اسلام و مسلمانان به وجود نیامد. این به معنای موفقیت جعفر در دیپلماسی و مذاکره بر مبنای مبانی و اصول و استفاده به جا از روش‌های دعوت اسلامی است. همچنین بیان‌گر موفقیت جعفر طیار علیه السلام و همراهانش در دیپلماسی عمومی است. گفتنی است که ارتباط جعفر با رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره برقرار بود و پیامبر صلی الله علیه و آله او را از احکام و معارف جدید و آیاتی که نازل می‌شد، باخبر می‌کرد تا جعفر بتواند به خوبی وظیفه خود را انجام دهد. جعفر نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله را از تازه‌ترین اخبار، جریان‌ات حبشه، مسلمانان مهاجر و اقدامات خودش باخبر می‌کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله دستورالعمل‌های لازم را به ایشان ابلاغ می‌کرد. اگرچه در منابع تاریخی اطلاعات چندانی در این باره وجود ندارد، اقتضای طبیعی

سفارت و نمایندگی همین است و شواهدی نیز دارد. برای مثال به پیامبر ﷺ خبر رسید که عبیدالله بن جحش، از مهاجران به حبشه، در آنجا به مسیحیت گرویده و از دنیا رفته است، ولی همسرش، ام حبیبه، بر دین اسلام باقی مانده است. رسول خدا ﷺ به نجاشی نامه نوشت و از او خواست که ام حبیبه را به عقد او در آورد. (ابن سعد، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱/۱۹۸) این بدان معناست که آنچه در حبشه می‌گذشت به اطلاع رسول خدا ﷺ می‌رسید.

جعفر طیار رضی الله عنه همانند رسول خدا ﷺ حکیمانه و هوشمندانه سخن می‌گفت و موضع می‌گرفت. در محضر نجاشی بسیار حکیمانه و به مقتضای حال سخن گفت. وی همان طور که مقتضای شخصیت نجاشی و لایق حال او بود نیکی‌های او را یادآور شد و بدین وسیله او را به نیکی بیشتر تشویق کرد. این‌گونه سخن گفتن، همان بلاغت است که براساس روش انعطاف‌پذیری بود. سخنان جعفر، نجاشی را چنان اقناع و احساسات او را تحریک کرد که به عمروعاص گفت: «من هرگز مسلمانان را به شما تسلیم نخواهم کرد». عملکرد جعفر باعث شد که مسلمانان مهاجر سالیان طولانی با عزت، امنیت، آسایش و احترام در حبشه زندگی کنند. هنگامی که عمروعاص با تمام توان تلاش می‌کرد که نجاشی را به جعفر و مسلمانان بدبین کند، جعفر در حضور جمع با بیان فضایل نجاشی گفت: «این گروه (مشرکان قریش) به ما ظلم کردند و بر ما سخت گرفتند و تلاش کردند که ما را از دینمان جدا کنند. ما به سوی سرزمین شما آمدیم و شما را بر دیگران ترجیح دادیم و به تو پناه آوردیم به امید اینکه در نزد تو به ما ظلم نشود» (ابن هشام، ۱۴۱۳ ه.ق، ۱/۳۲۶). در این حال، جعفر نقطه قوت‌های نجاشی را ذکر کرد و به صفاتی اشاره کرد که نجاشی در آن صفات مشهور بود. او در واقع غیرت نجاشی را به جوش آورد.

گفتنی است که نجاشی شخصی عالم، عادل و شجاع بود و شخصیتی برجسته در میان مسیحیان داشت. او از همه مسیحیان عالم‌تر به دین مسیحیت بود. قیصر روم، عالمان مسیحی را برای کسب علم نزد نجاشی می‌فرستاد. (حلبی، بی‌تا، ۱/۳۲۹) عدالت او به حدی بود که رسول خدا ﷺ به عدالت او گواهی داد و به مسلمانان مهاجر فرمود: «به سرزمین حبشه بروید؛ زیرا در آنجا کسی حکومت می‌کند که در حکومت او به کسی ظلم نمی‌شود و آنجا سرزمین صدق و راستی است» (ابن هشام، ۱۴۱۳ ه.ق، ۱/۳۲۱). با وجود این صفات در نجاشی، اقتناع او و حتی





مسلمان کردن او کار هر کسی نبود. جعفر طیار علیه السلام باید عالم‌تر و آگاه‌تر از او و اجتهادش در دین، قوی‌تر از نجاشی بوده باشد تا بتواند او را اقناع کند و به خضوع وادارد. این اخبار حاکی از علم، اخلاص و ایمان قوی و توانمندی‌های شخصیتی جعفر طیار علیه السلام است.

۱۲. بازگشت جعفر طیار علیه السلام از حبشه به مدینه

جعفر بن ابی طالب علیه السلام بعد از حدود ۱۵ سال حضور افتخارآمیز در حبشه، به امر رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله در محرم سال هفتم هجری نامه‌هایی به سران حکومت‌های اطراف به همراه سفیرانی ارسال کرد. اولین سفیر اعزامی آن حضرت، عمرو بن امیه ضمری بود که به همراه دو نامه به نزد نجاشی فرستاده شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از نامه‌ها، نجاشی را به اسلام دعوت کرد و از او خواست که جعفر و همراهانش را به مدینه بفرستد. نجاشی نامه حضرت را بوسید و بر چشمانش نهاد و از روی تواضع از تختش پایین آمد. او بر زمین نشست و شهادت به حق داد. نجاشی جواب نامه حضرت را داد و اعلام تصدیق کرد و نوشت که به دست جعفر مسلمان شده است. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱/۱۹۸) این رفتار نجاشی نشان می‌دهد که او پیش از این، نامه‌ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله به واسطه جعفر دریافت کرده و با آن حضرت و با اسلام آشنا شده و ایمان آورده است. بنابراین، این نامه، اولین نامه رسول خدا صلی الله علیه و آله به نجاشی نبود، هرچند اولین نامه رسمی حکومتی پس از تشکیل دولت نبوی بود؛ زیرا حدود چهارده سال پیش و در هنگام هجرت جعفر طیار علیه السلام به حبشه، نامه‌ای برای نجاشی به واسطه جعفر ارسال کرده بود، هرچند آن زمان، رسول خدا صلی الله علیه و آله دولت تشکیل نداده بود و ارتباط سیاسی آن حضرت به صورت رسمی آغاز نشده بود، اما پیامبر صلی الله علیه و آله، ارتباطات سیاسی غیر رسمی را در موضع یک پیامبر آغاز کرده بود.

نجاشی، جعفر و همراهانش را با دو کشتی به سوی مدینه فرستاد و هدایایی به آنها داد. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱/۲۵۹) علاوه بر جعفر و مسلمانان همراه او، هفتاد نفر دیگر همراه آنها آمدند که ۶۲ نفر از آنها حبشی و ۸ نفر رومی و از اهل شام بودند (حلبی، بی‌تا، ۴۹/۳). جعفر و همراهانش هنگامی که به مدینه رسیدند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خیبر بود. جعفر به سوی خیبر رفت تا هرچه زودتر رسول خدا صلی الله علیه و آله را ملاقات کند. هنگامی که به خیبر رسید آنجا فتح شده

بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲۶/۴). رسول خدا ﷺ ابورافع را به پیشواز جعفر فرستاد. خود حضرت نیز برخاست و دوازده قدم به استقبال جعفر رفت (صدوق، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۴۸۴/۲). او را در آغوش گرفت، بین دو چشم او را بوسید و گریه کرد. حضرت فرمود: «نمی دانم به کدام یک از این دو چیز بیشتر خوشحال باشم. به آمدن تو ای جعفر! یا فتح خیبر» (مسعودی، ۱۹۹۳).

۱۳. مأموریت جدید جعفر طیار رضی الله عنه

جعفر طیار رضی الله عنه در اوایل سال هفتم به مدینه بازگشت. او در جمادی الاولی سال هشتم، خط شکن جنگ و پیشگام در دیپلماسی نظامی در خارج از شبه جزیره عربستان بود و براساس راهبرد جهاد به فرماندهی لشکری از صحابه منصوب شد و به جنگ با رومیان رفت. این لشکرکشی در پاسخ جسارت رومیان به سفیر رسول خدا ﷺ به شام یعنی، حارث بن عمیر از دی بود. حارث، سفیر رسول خدا ﷺ حامل نامه ای به حاکم بصری، حارث بن ابی شمر غسانی از وابستگان به امپراطوری روم، بود. شرحبیل بن عمرو غسانی از امرای قیصر روم در شام، حارث بن عمیر را دستگیر کرد و بعد از آنکه فهمید او فرستاده رسول خداست سر از تنش جدا کرد. این اولین سفیر رسول خدا ﷺ بود که کشته می شد. هنگامی که خبر به رسول خدا ﷺ رسید بر آن حضرت گران آمد و برای پاسخ به این جسارت و قانون شکنی، لشکری متشکل از سه هزار نفر از اصحابش فراهم کرد و به جنگ رومیان فرستاد. (واقعی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲/۷۵۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام بدرقه سپاه مؤته خطبه ای خواند و به آنها توصیه هایی کرد که در بخشی از آن چنین آمده است: «در برخورد با مشرکان ابتدا آنها را به پذیرش اسلام دعوت کنید. اگر پذیرفتند از آنها بخواهید تا به مدینه هجرت کنند و در غیر این صورت مانند دیگر مسلمانانی هستند که در سرزمین خود مانده اند. اگر اسلام را نپذیرفتند آنان را به قبول جزیه دعوت کنید و اگر به آن نیز تن ندادند با استعانت از خداوند با آنها بجنگید. اگر به کسی امان می دهید از جانب خودتان باشد نه از سوی خدا و رسول؛ زیرا در صورت نقض امان، ذمه خود را تحقیر کرده اید نه ذمه خدا و رسول را. به کسانی که در صومعه ها زندگی می کنند آسیبی نرسانید؛ متعرض زنان، کودکان و پیران نشوید؛ هیچ درختی را قطع و هیچ خانه ای را خراب نکنید» (واقعی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲/۷۵۷). این توصیه ها



براساس همان مبانی و اصول سیاست خارجی دولت نبوی بود که در ابتدا یادآوری شد. رسول خدا ﷺ با بیانات فوق در واقع برخی از راهبردها و روش‌های سیاست خارجی را ابلاغ کرد. در این توصیه‌ها، اصل وجوب دعوت اسلامی، راهبرد دعوت اسلامی، راهبرد مذاکره و دعوت به صلح، اصل جهاد اسلامی و اصل وفای به عهد و پیمان به چشم می‌خورد. این لشکرکشی و توصیه‌ها، چهره دیگری از سیاست خارجی رسول خدا ﷺ و دیپلماسی دولت اسلامی بود. در این دیپلماسی نیز جعفر طیار رضی الله عنه، سفیر رسول خدا ﷺ و بود و باید پیام رسول خدا ﷺ را ابلاغ می‌کرد و عزت و اقتدار دولت اسلامی را به نمایش می‌گذاشت، البته در این مأموریت، زیدبن حارثه و عبدالله بن رواحه نیز شریک بودند. با وجود فراوانی لشکر دشمن و نابرابر بودن جنگ، جعفر جانانه جنگید و جان خود را فدای راه حق و اقتدار دولت رسول خدا ﷺ کرد. وی در میدان جنگ از اسب پیاده شد و اسبش را پی کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲۸/۴) و پیاده جنگ کرد. این کار برای دشمن این پیام را داشت که «من برای مسائل دنیایی و حتی برای پیروزی ظاهری در جنگ به اینجا نیامده‌ام». اگر جعفر به پیروزی ظاهری فکر می‌کرد بعد از دیدن جمعیت انبوه لشکر دشمن که پیروزی بر آن لشکر عظیم ممکن نبود از رویارویی با دشمن صرف نظر می‌کرد و به مدینه بازمی‌گشت. جعفر پیروزی را در رساندن پیام رسول خدا ﷺ به دشمن می‌دید. او می‌دانست که غلبه ظاهری بر لشکر انبوه دشمن ممکن نیست. وی در این پیام‌رسانی نیز موفق بود. این لشکرکشی و به نمایش گذاشتن رشادت و جان‌فشانی، بخشی از دیپلماسی رسول خدا ﷺ است که پیام‌رسان اصلی آن، جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه بود. این حرکت بر مبنای توحید و یکتاپرستی و براساس راهبرد جهاد اسلامی و روش دیپلماسی نظامی صورت گرفت.

امپراطوری روم و دولت‌های وابسته به آن در سرزمین شام، نسبت به مسلمانان، عده و عده بسیار بیشتری داشتند و تهدید بسیار بزرگی برای دولت نوپای رسول خدا ﷺ بودند. رسول خدا ﷺ باید فداکاری، شجاعت و پایداری یارانش را به رخ آنها می‌کشید و برتری کیفی نیروهایش را در برابر برتری کمی نیروهای آنها نشان می‌داد. براین اساس، پیامبر رضی الله عنه بهترین افراد اصحابش یعنی، جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه، زیدبن حارثه و عبدالله بن رواحه را برای این کار انتخاب کرد و آنها را یکی پس از دیگری به فرماندهی برگزید. همین که سه

نفر را در طول هم به فرماندهی انتخاب کرد و در صورت شهادت آن سه نفر، لشکر را مخیر کرد که خودشان کسی را به فرماندهی انتخاب کنند بدان معنا بود که شهادت این سه نفر قطعی است. این سه نفر، هدف رسول خدا ﷺ از این کار را دریافتند و پیام آن را گرفتند. آنها فهمیدند که مأموریتشان این است که با تمام توان و تا پای جان بجنگند و پیام عزت و اقتدار و فداکاری در راه دین را به دشمن برسانند. بدین ترتیب آنها پیام رسول خدا ﷺ را به دشمن رساندند و با ایثار جان ثابت کردند که مسلمانان برای دفاع از دینشان تا پای جان می جنگند و جان خود را نثار مکتب خود می کنند. دشمن نیز این پیام را گرفت و بعد از آن نه سفیران رسول خدا ﷺ را کشتند و نه به آسانی به جنگ مسلمانان آمدند. نمونه بارز آن جنگ تبوک بود که رومیان به جنگ با مسلمانان نیامدند، حتی بعد از رسول خدا ﷺ نیز این حالت ادامه داشت و آنها به مقابله با سپاه اسامه نیامدند.

۱۴. نتیجه گیری

پیامبر اکرم ﷺ بعد از هجرت، حکومت تشکیل داد. با توجه به جهانی بودن اسلام و دعوت اسلامی، رسول خدا ﷺ به گسترش اسلام، تشکیل حکومت جهانی و وحدت تمام انسان ها با یک نظام واحد جهانی می اندیشید. در همین راستا بود که آن حضرت به گسترش روابط خارجی و دعوت سران گروه ها و قبایل گوناگون و پادشاهان جهان پرداخت. تمام کارهای سیاسی پیامبر ﷺ مانند انعقاد قرارداد، ارسال نامه، اعزام سفیر و... در راستای راهبردهای سیاست خارجی آن حضرت مانند دعوت، جنگ و صلح بر پایه مبانی و اصولی برگرفته از وحی بود. پیامبر ﷺ توانست با تکیه بر مبانی و اصولی مانند توحید، حاکمیت الهی و نفی حاکمیت غیر خدا، عدالت، نفی سیل، برقراری ارتباط و وفای به عهد و پیمان و با استفاده از راهبردهایی مانند دعوت اسلامی، جهاد و صلح و روش های مبتنی بر راهبردها در زمانی کوتاه بر تمام جزیره العرب مسلط شود و نیروی عظیمی برای پیشبرد اهداف اسلام فراهم کند. جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه نیز به نمایندگی از رسول خدا ﷺ همان اهداف رسول خدا ﷺ را دنبال می کرد و با همان راهبردها و روش ها و براساس همان مبانی و اصول عمل می کرد. او هم در حبشه و هم بعد از بازگشت به مدینه و رفتن به سوی رومیان در جنگ مؤته آینه



تمام نمای رسول خدا ﷺ بود. جعفر در حبشه خوش درخشید و با نفوذ به عمق جان نجاشی، پیام رسول خدا ﷺ را به او رساند و امنیت، آرامش و عزت مسلمانان مهاجر را در سرزمین حبشه تأمین و حبشه را تبدیل به یک کشور دوست کرد. او همچنین اسلام را در حبشه منتشر کرد و جمعی از مردم حبشه از جمله نجاشی به دست او مسلمان شدند. جعفر در مأموریت دومش در جنگ مؤنه نیز خوش درخشید و پیام فداکاری، شجاعت و استقامت مسلمانان در راه دین را به رومیان منتقل و اسباب بازدارندگی در مقابل تهدیدات رومیان را فراهم نمود.

۱۵. پیشنهادات

سیاست خارجی و فرق آن با روابط خارجی، اهداف روابط خارجی، مبانی روابط خارجی، اصول روابط خارجی، فرق میان مبانی و اصول در روابط خارجی یا سیاست خارجی، هر کدام به تحقیق گسترده تری نیاز دارند. این موضوعات مرتبط با علوم سیاسی و بین رشته‌ای می‌باشد. از این رو، اگر تحقیق به صورت مشترک بین متخصصان علوم سیاسی و تاریخ صورت گیرد، نتایج بهتری به دست خواهد داد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۴۱۴ هـ.ق). *الکامل فی التاریخ*. محقق: مکتب التراث. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۲. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۴۱۹ هـ.ق). *اسد الغابه*. بیروت: دار الفکر.
۳. ابن الحجر، شهاب‌الدین، و احمد بن علی (۱۴۱۵ هـ.ق). *الاصابه فی تمییز الصحابه*. محقق: عادل احمد عبدال موجود، و علی محمد معوض. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع (۱۴۱۰ هـ.ق). *الطبقات الکبری*. محقق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک بن هشام (۱۴۱۳ هـ.ق). *السیره النبویه*. محقق: مصطفی السقا، و دیگران. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. احمدی، محمد قاسم (۱۴۰۹). بررسی و تحلیل اصول حاکم بر روابط خارجی در حکومت نبوی. نشریه سخن تاریخ، ۱۶ (۲۸)، ۶۵-۹۳.
۷. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ هـ.ق). *مکاتیب الرسول*. تهران: دار الحدیث.
۸. احمدی، محمد قاسم (۱۳۹۰). *روابط خارجی در حکومت نبوی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۹. آقابخشی، علی، و افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۳). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: نشر چاپار.
۱۰. بهزادی، حمید (۱۳۶۸). *اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی*. تهران: نشر دهخدا.
۱۱. جلیلی، سعید (۱۳۷۳). *سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم*. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۲. حلبی، علی بن برهان‌الدین (بی‌تا). *السیره الحلبیه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، المکتبه الاسلامیه.

۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۷۰). مبنای حکومت اسلامی. مترجم: الهامی، داود. بی جا: مؤسسه علمی و فرهنگی سیدالشهدا.
۱۴. شلبی، محمود (بی تا). حیاہ جعفرین ابی طالب ذی الجناحین الطیار علیہ السلام. بیروت: دار الجیل.
۱۵. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴ هـ.ق). الدروس الشرعیہ. قم: انتشارات اسلامی.
۱۶. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۰ هـ.ق). الخصال. محقق: غفاری، علی اکبر. بیروت: الطبعة الاولى، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۷. طبری، محمد بن جریر (بی تا). تاریخ الامم والملوک (تاریخ الطبری). محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: روائع التراث العربی.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ هـ.ق). الخلاف. قم: انتشارات اسلامی.
۱۹. عمید زنجانی (۱۳۶۷). فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۰. فتاحی غیث (بی تا). الاسلام والحیثه عبرالتاریخ. القاهرة: مکتبه النهضه المصریه.
۲۱. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۵). نظریه سیاست خارجی در دولت نبوی. نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، ۱۱۱-۱۳۵، ۱۲۱-۹.
۲۲. فلیح، جعفرحسین (۱۴۲۳ هـ.ق). جعفرین ابی طالب ذوالجناحین و دوره فی الدعوه الاسلامیه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بغداد.
۲۳. مسعودی، علی بن الحسین (۱۹۹۳). التنبیه والاشراف. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۲۴. المعلم، محمد علی (۱۴۴۲ هـ.ق). جعفرین ابی طالب رحیق النبوه و شذ الامامه. کربلا: العتبه الحسینیة المقدسه.
۲۵. موسوی، سید محمد یعقوب. (۱۳۸۶). سیره پیامبر اعظم در روابط خارجی. پژوهشنامه فقهی، فقه پژوهان، - (۱).
SID. <https://sid.ir/paper/496242/fa>
۲۶. موسوی، سید محمد (۱۳۸۴). دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام. قم: مرکز بازنشاسی اسلام و ایران.
۲۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۰ هـ.ق). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. واقدی، محمد بن عمر بن واقد (۱۴۰۹ هـ.ق). المغازی. محقق: دکتر مارسدن جونز. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۹. ورعی، سید جواد (۱۳۹۰). بررسی فقهی اصل در روابط خارجی دولت اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۳). تاریخ البیعوبی. قم: منشورات شریف رضی.

